

پژوهش رده‌شناسانه مقوله حالت در چهار گونه زبان ترکی (آذری، خلجی، آناتولیایی و ازبکی)

تارا مختاری^۱، سید مهدی سمائی^{۲*}، بهرام مدررسی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

A Typological Study of Case in Four Varieties of Turkish Language (Azeri, Khalaji, Anatolian and Uzbek)

Tara Mokhtari¹, Seyyed Mehdi Samaei^{2*}, Bahram Modarresi³

1. PhD Candidate in General Linguistics, Department of Linguistics, Islamic Azad University, Tehran- South Branch, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Linguistic, Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc), Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 2021/07/28

Accepted: 2021/10/16

10.30473/il.2022.60170.1472

Abstract

The present research discusses the typology of case system in four varieties of Turkish language, namely Azeri, Khalaji, Anatolian (Istanbul Turkish) and Uzbek Turkish. Case-marking is one of the applied methods to show the grammatical connection between elements of the sentence in some languages in the word. It also indicates the grammatical connections between noun clauses and verb in the sentence. Theoretical approach of this study is based on Comrie's (1989) approach, which has introduced the five types of languages in terms of temporality. The data of the study are gathered from literary and fictional texts. According to these data, there are six types of case-marking in Turkish language and its varieties which are nominative, accusative, dative, genitive, locative and ablative. Also the case-marking bound morphemes are presented through suffixes. Since the selected varieties belong to different branches of Turkish language, there are some similarities and differences between them which have been studied typologically.

Keywords: Inflection, Suffix, Case, Agreement, Variety, Turkish Language, Sociolinguistics.

چکیده

این مقاله به رده‌شناسی مقوله حالت در چهار گونه از زبان ترکی، یعنی ترکی آذری، خلجی، ترکی آناتولیایی (استانبولی) و ازبکی اختصاص دارد. حالت‌نمایی یکی از روش‌های کاربردی برای نشان دادن ارتباط نحوی میان عناصر جمله در برخی زبان‌هاست به طوری که رابطه نحوی میان گروه اسمی و فعل را نشان می‌دهد. رویکرد نظری اصلی این تحقیق بر اساس نظام حالت‌نمایی کامری (۱۹۸۹) است که پنج رده زبانی را از لحاظ حالت‌نمایی معرفی کرده است. داده‌های منتخب این پژوهش از متون ادبی و داستانی است و جملات گردآوری شده از این متون استخراج شده‌اند. بر اساس داده‌ها، در زبان ترکی و گونه‌های آن شش حالت وجود دارد که حالت‌های فاعلی، مفعولی مستقیم، مفعولی غیرمستقیم، اضافی، ازی و دری هستند. تظاهر حالت با استفاده از تکواژهای وابسته حالت‌نما به صورت پسوند است. از آنجا که گونه‌های منتخب از چند شاخه مستقل از زبان ترکی هستند، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که بررسی رده‌شناسانه آن در این مقاله انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: تصریف، پسوند، حالت، مطابقه، گونه، زبان ترکی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Seyyed Mehdi Samaei

Email: samai@irandoc.ac.ir

* نویسنده مسئول: سید مهدی سمائی

مقدمه

در ایران زبان‌ها و گویش‌های بسیاری در کنار زبان فارسی رواج دارد که ترکی یکی از آنهاست. این زبان نیز گونه‌های مختلفی دارد که گویشورانش در ایران و دیگر نقاط جهان پراکنده‌اند. زبان ترکی از شاخه‌های زبان‌های آلتایی است که گونه‌های آن ویژگی‌هایی متفاوت و گاه مشابه دارند. با بررسی رده‌شناسانه می‌توان به مطالعه ویژگی‌های ساختاری این زبان پرداخت. در رده‌شناسی الگوهای حاکم بر این تفاوت‌های زبانی نیز توصیف و تبیین می‌شود. همچنین در پی جست‌وجو برای یافتن مبنایی در طبقه‌بندی زبان‌ها مشترکات زبانی آشکار می‌شود. این مقاله دربردارنده شرح و تبیین رده‌شناسانه مقوله حالت در چهار گونه زبان ترکی است: ترکی آذری، خلجی، آناولیبایی (مشهور به استانبولی یا ترکی ترکیه) و ازبکی. زبان ترکی آذری در ایران و خارج از مرزهای ایران (جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و عراق) رواج دارد. خلجی در استان‌های مرکزی ایران (قم و استان مرکزی) گویشور دارد. ترکی آناولیبایی زبان رسمی کشور ترکیه است. ازبکی در ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان و روسیه رایج است. چهار گونه از سه شاخه زبانی جدا با گویشورانی از کشورهای مختلف هستند.

الف) پرسش‌ها

۱. کدام حالت‌ها در این گونه‌های زبانی رخ می‌دهد؟
۲. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در حالت این گونه‌های زبانی وجود دارد؟

ب) فرضیه‌ها

۱. حالت‌نمایی در این گونه‌ها از نوع صرفی - نحوی^۱ است.
۲. تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری در حالت این گونه‌ها وجود دارد.

ج) اهداف

نخستین هدف تحقیق بررسی رده‌شناسانه حالت، مقوله‌ای دستوری، در زبان ترکی است؛ دیگر رسیدن به تفاوت‌ها و شباهت‌های زبانی گونه‌هایی از ترکی که جهانی‌ها را در پی دارد؛ سوم تحقیق درباره ویژگی‌های زبانی پیوندی (زبان ترکی) که ساختاری متمایز از زبان فارسی دارد که تنوع گونه‌های آن در ایران و جهان بسیار است. در نهایت، مقدمات تحقیقی مفصل درباره هریک از گونه‌ها و مقدمات تدوین اطلسی گویشی از دیگر اهداف این مقاله است.

د) روش اجرای تحقیق

تحقیق حاضر هم‌زمانی است. روش تحقیق کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است. برای تحلیل موضوع از متون مکتوب هریک از گونه‌ها استفاده شده است. داده‌ها از متون داستانی و ادبی چهار گونه مذکور گردآوری شده است و در حد امکان از گونه معیار است.

از ترکی آذری (ایران) گونه تبریزی انتخاب شده است. گونه رسمی ترکی خلجی، با توجه به کم‌گویشور بودن آن، انتخاب نشد. برای ترکی آناولیبایی از ترکی ترکیه استفاده شده است که گونه رسمی کشور است. ترکی ازبکی امروز نیز بر اساس گویش تاشکند - فرغانه است.

منابع منتخب در استخراج داده‌ها عبارت‌اند از: تالانچی‌لار به ترکی آذری که مجموعه‌ای است از حکایت‌ها و یادداشت‌های حبیب ساهر (متوفی ۱۳۶۸ ش)، شاعر و نویسنده نوگرای ایرانی؛ گل صنوبر داستانی (داستان گل صنوبر) به ترکی خلجی که ترجمه داستانی است از مجموعه «اویغور خلق داستانی» و مجموعه اویغوری در ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶ م چاپ شده است (جمراسی، ۱۳۹۴ الف)؛ نام من سرخ^۲، به ترکی آناولیبایی، اثر اورهان پاموک^۳؛ و کتاب نویی^۴، اثر آی بیگ^۵ به ترکی ازبکی. نویی در سال ۱۳۲۱ ش/ ۱۹۴۲ م نوشته شده است و درباره امیرعلیشیر نویی، نویسنده و شاعر ترکی گوی و فارسی‌سرای ترک است.

پیشینه مطالعات

مطالعات بسیاری در باب نظام حالت در زبان‌ها و گویش‌های گوناگون، از جمله ترکی، در ایران انجام شده است. از این میان مختصری از مطالعات درباره زبان ترکی بیان می‌شود:

نجیب‌زاده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی حالت در زبان ترکی تبریز»، پس از بررسی ویژگی‌های دستوری ترکی گویش تبریز (آوایی، ساخت‌وازی و واجی)، به ویژگی‌های نحوی پرداخته است. او به زمان و وجه پرداخته، از ترتیب واژه و سه نقش نحوی فاعل، مفعول و فعل گفته است. سپس درباره حالت اسمی و مشخصه حالت با توجه به نظریات دستورنویسان سنتی و آرای محققان زبان‌شناسی جدید شرح داده است.

فرهمند اقدام (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود ساختار موضوعی

2. Benim adım kı rmızı

3. Orhan Pamuk

4. Navoiy

5. Oybek

1. morphosyntactic

اوایل قرن نوزدهم بسیار استفاده شده است، رده‌شناسی است. زبان‌ها برحسب ویژگی‌های مشترک یا مهم و معتبر یا شباهت‌های دستوری در گروه زبانی قرار می‌گیرند و به تاریخ یا موقعیت جغرافیایی زبان‌ها توجه نمی‌شود (همان: ۵۱).

زبان‌های جهان را از منظرهای گوناگونی چون نظام آوایی، نظام معنایی و آرایش سازه‌های جمله رده‌بندی کرده‌اند. در تمامی قرن نوزدهم و تا مدتی از قرن بیستم نظریه مسلط در رده‌شناسی بر این پیش‌فرض استوار بود که تنها ملاک یا حداقل مهم‌ترین ملاک در رده‌بندی ساختمانی فرایند واژه‌سازی است. این شیوه طبقه‌بندی به اصطلاح نوعی یا ساختمانی نامیده می‌شود (ثمره، ۱۳۶۹: ۶۷؛ سونگ، ۲۰۰۱: ۸، ۹). زبان‌ها به شیوه‌ای نظام‌مند در شیوه به‌کارگیری تصریف در ساخت‌واژه از یکدیگر متمایزند. یکی از راهبردهای مؤثر برای مطالعه جهانی‌های زبانی، بررسی گوناگونی‌هایی است که در زبان‌های مختلف دنیا دیده می‌شود. رده‌شناسی یکی از زیربخش‌های زبان‌شناسی است که بر اساس ویژگی‌های ساختاری زبان به مطالعه آنها می‌پردازد (گلفام، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

رده‌شناسی بر اساس ساخت‌واژه سابقه‌ای طولانی دارد که به قرن نوزدهم و آثار هومبولت (۱۸۳۹) بازمی‌گردد. او زبان‌ها را به سه طبقه تکواژی، پیوندی و تصریفی تقسیم کرده است. مبنای این تقسیم‌بندی رده‌شناسی، همان‌طور که مشخص است، ساخت قالب واژه در واحد دستوری است (روبینز، ۱۳۷۰: ۳۷۶). این سنت با آرای سایر مرتبط است. سایر زبان‌های گسسته/ منفرد، پیوندی^۷ / التصاقی، تصریفی (ادغامی)^۸ و چندساختی/ بساوندی^۹ را در دسته‌بندی خود آورده است (لیبر،^{۱۰} ۲۰۰۹: ۱۳۲؛ کامری، ۱۹۸۹: ۴۲، ۴۳).

در این مقاله، از میان دسته‌بندی مذکور فقط به شرح زبان‌های پیوندی پرداخته می‌شود، زیرا ترکی یکی از زبان‌های پیوندی است.

ب) زبان‌های پیوندی

در زبان‌های پیوندی علاوه بر ریشه، که از یک یا چند هجا تشکیل می‌شود، تکواژهای پیوندی وجود دارد. این پیوندها در

و نحوه واگذاری حالت دستوری به سازه‌های اسمی آن در زبان ترکی را بررسی کرده است. او ابتدا به طور مختصر به آرایش سازه‌های جمله و ساخت موضوعی در این زمینه پرداخته، سپس از حالت‌دهی در این زبان و از پدیده حالت‌نمایی چندگانه سخن رانده است.

تفرجی یگانه و احمدی (۱۳۹۳) گفته‌اند که زبان‌های دنیا از سه راه توالی واژه، مطابقه و حالت‌نمایی برای نشان دادن روابط دستوری استفاده می‌کنند. زبان ترکی تابع نظام حالت‌نمایی است که گروه‌های اسمی به نحوی نشان‌دار می‌شوند و آن نشانه می‌تواند فاعل و مفعول بودن آن را نشان دهد. پژوهشگران مذکور هفت حالت را برای ترکی آذری برمی‌شمرند (← ادامه مقاله).

ملاولی و دیگران (۱۴۰۰) حالت و مطابقه درون گروه حرف تعریف در ترکی آذری را بررسی کرده‌اند. نگارندگان به بررسی مطابقه هسته اسم (مملوک) با مالک در ترکی آذری در چارچوب برنامه کمینه‌گرا پرداخته‌اند.

مبانی نظری

الف) دسته‌بندی زبان‌ها

با توجه به تنوع درخور ملاحظه زبان‌های دنیا، هرگاه شباهت‌هایی میان دو یا چند زبان مشاهده می‌شود، زبان‌شناسان به این فکر می‌افتادند که آنها را در دسته یا گروه‌های زبانی قرار دهند. معیارهایی که برای قرار دادن زبان در این یا آن گروه زبانی وجود دارد نیز متفاوت است (آرلاتو^۱، ۱۳۷۳: ۵۱). برای دسته‌بندی زبان‌ها دو روش وجود دارد:

دسته‌بندی وراثتی^۲ یا خویشاوندی: این دسته‌بندی برای فراهم آوردن مواد اولیه‌ای است که از نظر تاریخ زبان‌ها معتبرند. این طبقه‌بندی صرفاً بر پایه کشف ویژگی‌های مشابه در درون یک یا چند زبان نیست، بلکه بیشتر بر اساس مشابهت‌هایی است که میان عناصر غیرهمگانی زبان‌ها وجود دارد. مشابهت‌ها و ارتباط‌های مشاهده‌شده میان زبان‌ها، با پیش کشیدن فرضیه برخورد زبان‌ها در مقطعی زمانی در گذشته، تعبیر می‌شود (همان: ۵۶).

رده‌شناسی یا دسته‌بندی نوعی^۳: در این دسته‌بندی زبان‌ها برحسب ویژگی‌های ساختاری‌شان بررسی می‌شوند. یکی از روش‌های متداول برای دسته‌بندی زبان‌ها که از

4. Song
5. Robins
6. analytic/isolating
7. agglutinative
8. inflectional/ fussional
9. poly syntetic
10. Liber

1. Arlatto
2. genetic classification
3. typological classification

زبان‌شناسی ترکی بوده است. تنوع گویش‌ها و لهجه‌های ترکی به اندازه‌ای است که تعیین شمار دقیق آنها غیرممکن است و به آسانی نمی‌توان طبقه‌بندی‌شان کرد. زبان‌های ترکی تاکنون به شیوه‌هایی متفاوت تقسیم‌بندی شده‌اند که برخی از پژوهشگران آنها عبارت‌اند از: گرهارد دورفر^۴ (۱۹۶۷)، کارل منگس^۵ (۱۹۶۸) و لارس یوهانسون^۶ (۱۹۹۸). دورفر، که زبان ترکی خلجی را در ۱۹۶۸ کشف کرد، ثابت کرد این زبان از گویش‌های ترکی آذربایجانی/آذری نیست. منگس طبقه‌بندی مفصل و پیچیده‌ای عرضه کرده است. دورفر زبان‌های ترکی را به هفت زبان اصلی تقسیم کرده است: چوواش، خلجی، یاقوت، سیبریایی جنوبی، قیچاق، اوغوری و اوغوز (نقل از دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ترکی، زبان‌ها»). لارس یوهانسون (۱۹۹۸: ۸۱-۱۲۵)، از ترک‌شناسان برجسته، نیز زبان ترکی را براساس مشخصات رده‌شناسی و خویشاوندی به شش شاخه عمده تقسیم کرده و شرح آن را در اثرش آورده است.

ه) گونه‌های منتخب

چنان‌که ذکر شد، ترکی از زبان‌های آلتایی است. در این مقاله، وراي تقسیم‌بندی‌های زبان ترکی در سراسر جهان، که پیش‌تر ذکر شد، به ترکی آذری و خلجی (رایج در ایران) و دو گونه آنتولایی (زبان رسمی کشور ترکیه) و ازبکی (زبان رسمی کشور ازبکستان) پرداخته می‌شود. فارغ از مرزهای جغرافیایی اصطلاح گونه برای این زبان‌ها در نظر گرفته شده است.

ترکی آذری: این گونه به شاخه غربی گروه زبان‌های اوغوز یا گروه زبان‌های جنوب‌غربی تعلق دارد (منگس، ۱۹۹۵: ۶۰-۶۱). هم‌اکنون ترکی آذری رایج‌ترین گونه زبان ترکی در ایران است و گونه‌های مختلف آن در بیشتر استان‌های ایران، به‌خصوص استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان رواج دارد (هیئت، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۱۰). این زبان در جمهوری آذربایجان زبان رسمی است و در ارمنستان، گرجستان و عراق نیز گویشورانی دارد.

ترکی خلجی: تنها عضو از خانواده آرگو (آرغو) و قدیمی‌ترین لهجه ترکی است (کاشغری، ۱۳۷۵: ۴۶۴) که در حقیقت ادامه

زبان دو وظیفه دارند: دسته‌ای از آنها با پیوستن به آخر یا اول ریشه‌ها واژه‌هایی با مفاهیم مستقل و جداگانه به وجود می‌آورند و به این وسیله بر میزان ذخیره کلمات زبان می‌افزایند، و دسته دیگر، ضمن پیوند به آخر یا اول واژه‌ها و الفاظ، تصریف و حالت‌پذیری آنها را در کلام مسیر می‌سازند. این زبان‌ها ممکن است پیشوندی یا پسوندی باشند. ترکی، سواحیلی، براهوی، مجاری، بهاسای، فنلاندی، باسک و گرجی از مشهورترین زبان‌های پیوندی هستند (حق‌پرست قراملکی، ۱۳۸۵: ۲؛ کاتامبا و استونهام^۱، ۲۰۰۶: ۵۷-۶۰؛ هسپلمت و سیمز^۲، ۲۰۱۰: ۶۸). در این‌گونه زبان‌ها ماده اصلی واژه‌ها همیشه صورت واحدی دارد و اگر معانی ثانوی به آن افزوده شود، شکل اصلی واژه تغییر نمی‌کند بلکه برای نشان دادن معانی فرعی و اضافی، عناصر و اجزای دیگر زبانی در کنار ماده اصلی واژه قرار داده می‌شود. به عبارت دیگر، با اضافه شدن هر مفهوم جدید به معنی اصلی کلمه، جزئی دیگر که نماینده آن مفهوم است به واژه اصلی می‌پیوندد و به راحتی می‌توان واژه‌های آن را به تکواژه‌های سازنده‌اش تقسیم کرد. در زبان ترکی، که زبانی پیوندی است، در بیست درصد کلمه‌ها کمترین وند به پنج وند می‌رسد. البته وند علاوه بر کلمه به فعل نیز می‌پیوندد. در فعل‌های ترکی نیز تعداد وندهای تصریفی می‌تواند به ده یا بیشتر از آن برسد (هسپلمت و سیمز، ۲۰۱۰: ۶۸-۶۹).

ج) زبان‌های آلتایی و زبان ترکی

خانواده زبانی آلتایی شامل زبان‌های ترکی، مغولی و تنگوزی^۳ است. گویشوران زبان ترکی از جنوب سیبری، غرب مغولستان و کاشغر چین تا شمال شرق و سپس در شمال غرب دریای خزر و از آنجا تا شمال دریای سیاه پراکنده‌اند (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۶).

د) تقسیم‌بندی زبان‌های ترکی

مراکز اصلی رواج این زبان‌ها شمال غرب چین، جنوب سیبری، جمهوری‌های آسیای مرکزی، ایران، قفقاز، ترکیه و شبه‌جزیره بالکان است. از این زبان تنها زبان یاکوت خارج از این مسیر، در شمال سیبری، رواج دارد (کامری، ۱۹۹۲: ۱۷۸). تقسیم‌بندی خانواده زبانی ترکی از دشواری‌های

4. Doerfer
5. Menges
6. Johanson

1. Katamba and Stonham
2. Haspelmath and Sims
3. Tungus

زبان ترکی باستان است. ترکی باستان زبان گوگ‌ترک‌ها، اویغورها و قریزهای قدیم است که بیش از ۱۵۰۰ سال قدمت دارد و آثار مکتوب آن کنیه‌های اورخون^۱ و ینی‌سئی^۲ (در مغولستان) هستند (منگس، ۱۹۹۵: ۶۰؛ هیئت، ۱۳۸۰: ۳۳). طبق تقسیم دورفر، زبان ترکی به هفت شاخه تقسیم می‌شود و ترکی خلجی به صورت زبانی مستقل در این گروه قرار گرفته است (جمراسی، ۱۳۹۳: ۱۹). ترکی خلجی زبان گفت‌وگوی ترکان خلج است که در مرکز ایران (خلجستان)، در منطقه‌ای بین ساوه، قم و اراک، زندگی می‌کنند. بخش دیگر خلج‌ها در روستاهای شهرهای آشتیان، تفرش و فراهان استان مرکزی سکونت دارند. گونه خلجی به کشور ایران منحصر است و توجه دانشمندان و ترک‌شناسان جهان را به خود جلب کرده است. طبق برآوردی که در سال ۲۰۰۰ انجام گرفته، حدود پنجاه‌هزار نفر ترک خلج در استان مرکزی و نیز با پراکندگی اندکی در برخی مناطق استان قم و چهارمحال و بختیاری، فارس و آذربایجان وجود دارند (امیرحسینی، ۱۳۹۴: ۸۷).

مفاهیم کلیدی

الف) صرف و تصریف

صرف بخشی از دستور زبان است که ساختمان واژه در آن بررسی و در دو سطح تصریفی و واژه‌سازی (اشتقاقی) مطالعه می‌شود. در صرف تصریفی به نقش نحوی واژه پرداخته می‌شود و در واژه‌سازی چگونگی ساخت واژه، فارغ از نقش نحوی آن، مطالعه می‌شود. در ساخت واژه تصریفی به نقش نحوی واژه پرداخته می‌شود و در واژه‌سازی چگونگی واژه‌سازی، فارغ از نقش نحوی آن، مطالعه می‌شود (شوپن^۳، ۲۰۰۷: ۳-۳۶؛ لیبر، ۲۰۰۹: ۸۸). تصریف تغییر در صورت دستوری واژه است تا بتواند نقش نحوی جمله‌ای مشخص را بر عهده گیرد. با استفاده از تصریف می‌توان ویژگی‌های واژه‌نحوی را در یک تکواژ واژگانی به صورت صرفی نشان داد که این امر به ایجاد صورت‌های مختلف آن تکواژ می‌انجامد و هریک واحد دستوری نامیده می‌شوند (بویج^۴، ۲۰۰۵: ۹۹-۱۰۰). صرف تصریفی مفاهیم مختلف دستوری مانند شمار، شخص، جنسیت، حالت، زمان دستوری^۵ و نمود^۶، جهت^۸ و وجه^۹ را پوشش می‌دهد (لیبر، ۲۰۰۹: ۸۸-۹۸).

ترکی آناولیایی (یا اوغوز غربی): از قرن دوازدهم تا سیزدهم میلادی در آناولی شکل گرفت و شامل سه مرحله است: ۱) مرحله ترکی قدیم آناولیایی یا ترکی سلجوقی - عثمانی قدیم که از قرن سیزدهم تا آخر قرن پانزدهم رواج داشت؛ ۲) مرحله عثمانی که از فتح استانبول یا ابتدای قرن شانزدهم شروع شد و تا ۱۹۰۸ (اعلام مشروطیت) ادامه داشت و بعد از صدور فرمان تنظیمات (۱۸۳۹)، عثمانی جدید نامیده شد؛ ۳) مرحله ترکی جدید یا ترکی ترکیه (ترکی آناولیایی) که از ۱۹۰۸ شروع شده است و تاکنون ادامه دارد. البته در آناولی تا اواسط قرن چهاردهم زبان‌های رومی (یونانی) و تا حدودی ارمنی هم از زبان‌های رایج بود. از آن پس، با گسترش اسلام، زبان ترکی زبان عموم مردم آناولی شد (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۱۹).

زبان ترکی آناولیایی ادامه ترکی عثمانی است و به دوره جدید آن گفته می‌شود که بر اساس لهجه استانبول به وجود آمده است؛ زبان رسمی دولت ترکیه و زبان ادبی ترکان بالکان و قبرس و سوریه و قسمت جنوبی کریمه است (هیئت، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

ترکی ازبکی: بیشتر از هر زبان دیگری به زبان اویغوری

3. Akiner
4. Shopen
5. Boojj
6. tense
7. aspect
8. voice
9. mood

1. Orkhon
2. Yenisey

ب) حالت

مقوله‌ای دستوری در تحلیل طبقه‌واژه است که برای نشان دادن نقش نحوی گروه اسمی به کار می‌رود. در واقع، گروه‌های اسمی به گونه‌ای نشان‌دار می‌شوند و آن نشانه نقش نحوی آنها را نشان می‌دهد. بسیاری از پدیده‌های زبان منعکس‌کننده تعامل بخش‌های صرفی و نحوی دستور زبانند (کامری، ۱۹۸۹: ۶۵؛ لیبر، ۲۰۰۹: ۹۲-۹۳).

در زبان‌های دنیا ارتباط نحوی فعل جمله (هسته) و گروه‌های اسمی با روش‌های مختلف نشان داده می‌شود: (۱) الگوهای مطابقه که در اثر روابط نحوی بین فعل و موضوع‌های آن به وجود می‌آید و بر فعل حاکم نمود می‌یابد (برای توضیح بیشتر درباره نظام‌های پنج‌گانه کامری و مطابقه ← دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۰؛ کامری، ۱۹۸۹: ۳۳۲). (۲) جایگاه گروه اسمی درون بند و جمله یا توالی واژه‌ها. (۳) حالت‌نمایی. در واقع حالت‌نمایی در کنار مطابقه و توالی واژه‌ها سه روشی هستند که زبان‌ها برای نشان دادن موضوع‌های فعل از آنها بهره می‌گیرند (راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

حالت مقوله‌ای صرفی - نحوی است و تغییرشکل اسم یا ضمیر در کاربردهای متفاوت مانند فاعلی، مفعولی مستقیم، اضافی / ملکی، ندایی^۱، ازی، برایی / به‌ای و دری / اندری و ابزار^۲ است (کریستال^۳، ۱۹۹۲: ۴۷). حالت دستوری به نظام نشان‌داری اسم‌های وابسته (موضوع) برای نوع رابطه‌ای که با فعل دارند اطلاق می‌شود. وابسته‌ها از یک فعل یا چند مقوله حالت، که مربوط به فعل می‌شوند، تشکیل می‌شوند. حالت‌نماها به صورت حرف اضافه، حرف نشانه (مانند «را» در زبان فارسی) یا وند حالت ظاهر می‌شوند. علاوه بر وابسته‌های اصلی فعل که فاعل و مفعول هستند، فعل ممکن است وابسته‌های دیگری داشته باشد که برای مثال زمان و مکان را نشان می‌دهند. حالت مکانی نشان‌دهنده «مکان» است، مانند *?İstanbul-dâ* (در استانبول). حالت ازی بیانگر «از» است، مانند *?Ânkârâ-dân* (از آنکارا). این حالت در عباراتی چون *?âdâm-in ev-i* (خانه مرد) برای نشان دادن مالکیت به کار می‌رود (بلیک^۴، ۲۰۰۴: ۱-۳).

ج) حالت‌نمایی در زبان ترکی

حالت‌نمایی در این زبان با تکواژهای حالت یا رابطه‌نماهای فعلی نشان داده می‌شود. در زبان ترکی ارتباط با سایر اجزای کلام، به‌خصوص فعل، به صورت حالت‌نمایی انجام می‌شود. حالات اسم اشکال تصریفی اسم‌اند که وظیفه آن را در کلام تعیین می‌کنند. عمل حالت‌نمایی عموماً با پذیرفتن پسوندهای حالت انجام می‌گیرد. پسوندهای حالت بعد از پسوندهای اشتقاقی می‌آیند (شوبری^۵، ۱۹۶۳: ۱۳۸؛ فرزانه، بی‌تا، ج ۱: ۹۰ و ۹۱).

در ترکی وندهای حالت‌نما از ستاک جدا می‌شوند (بلیک، ۲۰۰۴: ۲-۳؛ شوبری، ۱۹۶۳: ۵۳ و ۵۹ و ۸۴؛ گوکسل و کرسلاکه^۶، ۲۰۰۵: ۷۰؛ هنگیرمن^۷، ۱۹۹۸: ۱۲۳-۱۲۵؛ و دیگران). پسوند حالت هم به اسم‌های جمع و هم به اسم‌های مفرد می‌پیوندد (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۲).

در زبان ترکی شش حالت وجود دارد که حالت‌های فاعلی، مفعولی مستقیم، اضافی، مفعولی غیرمستقیم / برایی، اضافی، دری / اندری و ازی هستند (بلیک، ۲۰۰۴: ۲).

در ترکی علاوه بر شش حالت مذکور حالت‌های دیگری نیز برای اسم برشمرده‌اند؛ مثلاً در ترکی آذری پسوند *-nân* (با اتوبوس: *?utubus-nân*) و در آناتولیایی و خلجی پسوند *-la*، *-le* (با شما: *siz-la*) و صورت‌های مختلف آن را در نظر گرفته‌اند. در ترکی ازبکی تکواژ *bilan* (با مادرم: *?onam bilan*) استفاده می‌شود درحالی‌که بنا بر تحقیقات انجام‌شده این حالت وجود ندارد. کسانی چون کورن‌فلت^۸ (۱۹۱۷: ۲۱۴) آن را واژه‌بست دانسته‌اند که نقشی مانند حالت دارد و اصل آن واژه *?ile* بوده است که به صورت پسوند درآمده و پسوند در نظر گرفته می‌شود. این فرایند دستوری‌شدگی است که از رهگذر آن اجزای واژگانی نقش دستوری کسب می‌کنند، یا اجزایی که خود ویژگی‌های دستوری دارند دستوری‌تر می‌شوند (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۵۱). علاوه بر واژه‌بست ابزاری، واژه‌بست‌های دیگری چون ندایی (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۱۹۷) حالت به شمار آمده‌اند که درست به نظر نمی‌رسد.

هریک از حالت‌ها پسوند مختص خود را دارد. هنگامی که واژه‌ای به واکه ختم شود و در کنار واکه پسوند قرار گیرد،

5. Sjöberg
6. Göksel and Kerslake
7. Hengirmen
8. Kornflit

1. vocative
2. instrumental
3. Crystal
4. Blake

حالت‌نما می‌آید. نمونه آن چنین است: **quzu-Acc** gördüm (بَره را دیدم): که در آن مفعول مستقیم حالت‌نمای آشکار ندارد (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۲۰۱؛ ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۸). این حالت به سؤالات «چه کسی را» و «چه چیزی را» پاسخ می‌دهد (هنگیمرمن، ۱۹۹۸: ۱۲۳). این حالت برای نشان دادن مفعول مستقیم، نشان دادن مفعولی با حرف اضافه خاص، و بیان مدت‌زمان به کار می‌رود (بلیک، ۲۰۰۴: ۱۹-۲۰). حالتی است که اسم را در موقعیت پذیرش حرکت و کنشی نشان می‌دهد که از طرف شخص یا چیزی اعمال می‌شود. افعالی که در این حالت با اسم ارتباط ایجاد می‌کنند، الزاماً افعال گذرا (متعدی) هستند. پسوند حالت‌نمای آن در گونه‌های ترکی آذری، خلجی و آناولیایی **-i** یا یکی از صورت‌های دیگر آن (**-i**, **-u**, **-ü**) است. این صورت‌های مختلف بر اساس هماهنگی واکه‌ای انتخاب می‌شوند. در ترکی ازبکی پسوند **-ni** می‌گیرد (شوبری، ۱۹۶۳: ۱۴۴؛ گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ جمراسی، ۱۳۹۴: ب: ۱۰۵).

حالت مفعولی غیرمستقیم/ برای

حالت اسم جاننداری است که از وضعیت یا عملی متأثر است که فعل آن را مشخص می‌کند. این حالت معمولاً برای نشان دادن مفعول غیرمستقیم به کار می‌رود (کریستال، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸). این حالت هم وابستگی به فعل را نشان می‌دهد و همیشه پسوند دارد (ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۸). همچنین به سؤالات «به کجا» و «به چه چیزی» پاسخ می‌دهد (هنگیمرمن، ۱۹۹۸: ۱۲۴). در زبان ترکی از میان انواع روش‌های نشان دادن حالت اسم، از تصریف استفاده می‌شود که طبق آن اسم یا ضمیر پسوند می‌پذیرد. پسوند آن در ترکی آذری، آناولیایی و ازبکی **-i**, **-1**, **-â** و **-e** است. البته در صورتی که آوای میانجی بگیرند، در آذری و آناولیایی این آوای میانجی **-y** و **-n** هستند که به صورت **-ye** و **-ne** می‌آیند. در ترکی خلجی این پسوند **-ke** و **-qâ** است (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ جمراسی، ۱۳۹۴: ب: ۱۰۵).

حالت اضافی

این حالت وابستگی اسمی به اسم دیگر و گاه وابستگی اسم به فعل را نشان می‌دهد. حالت اضافی نمایانگر حالت مالک است و پسوند اضافی باید با پسوند مالکیت همراه باشد. این حالت از صورت‌هایی است که اسم یا ضمیر به خود می‌گیرند، یعنی اسم یا ضمیر در زبان‌هایی روابط دستوری را با تصریف نشان

واکه‌ای میانجی (همخوان) بین دو واکه قرار می‌گیرد؛ مانند **Podâ-y-1** (اتاق را) که **â** پایان واژه است و **-1** پسوند حالت مفعولی مستقیم است و در این میان، **-y** به صورت میانجی آمده است. حالت‌نماها صورت‌هایی مختلف دارند که با توجه به هماهنگی واکه‌ای یکی از آنها انتخاب می‌شود (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۲۱-۲۵).

حالت فاعلی

اولین طبقه از حالت‌های اسم است (شوپن، ۲۰۰۷: ۳: ۲۱۲). این حالت بی‌نشان پرکاربردترین حالت است و پسوند ندارد و در تقابل با حالت‌های دیگری قرار دارد که از آنها به عنوان حالت‌های غیرفاعلی نام می‌برند. فاعل نقش اصلی در بسیاری از زبان‌هاست و بسته به زبان از روی تصریف، جایگاهش در جمله یا ساختارش می‌توان آن را نشان داد یا از بافت تشخیص داده می‌شود (راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۴ و ۲۵۹؛ شوبری، ۱۹۶۳: ۱۵۰). حالت فاعلی در اسم‌ها رابطه فاعلی را بیان می‌کند. این حالت همه روابط هسته‌ای را رمزگذاری می‌کند (بلیک، ۲۰۰۴: ۲۰۲). حالت فاعلی با اسم‌های مفرد، جمع یا همراه مالکیت نیز همراه است. مثلاً کلمات **tâş** (سنگ)، **tâş-lâr** (سنگ‌ها) و **tâş-lâr-im-iz** (سنگ‌هایمان) به اسم‌هایی در شکل‌های مفرد، جمع و همراه با مالکیت اشاره دارند (ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۷-۲۲۸). در زبان ترکی حالت فاعلی بی‌نشان است (فرزان، ۱۳۷۷: ج ۲: ۷۴). حالت فاعلی حالتی است که اسم در کلام نقش عامل را ایفا می‌کند، بنابراین از وابستگی به سایر کلمات بی‌نیاز است و اسم یا ضمیر در حالت فاعلی (مفرد یا جمع) پسوندی نمی‌گیرد (جمراسی، ۱۳۹۴: ب: ۶۹). شکل این حالت در چهار گونه یکسان است.

البته تمامی اسم‌هایی که حالت فاعلی دارند، در همه زبان‌ها، بیان‌کننده فاعل نیستند. مثلاً در هندی-اردو حالت فاعلی، علاوه بر فاعل، مفعول را پوشش می‌دهد (بلیک، ۲۰۰۴: ۳ و ۱۰).

حالت مفعولی مستقیم

اسمی که در نقش مفعول مستقیم قرار گیرد، حالت آن مفعولی مستقیم است که پسوند آن در ترکی **-i** است. این حالت گاه با حالت‌نما (پسوند) و گاه بدون آن نشان داده می‌شود. این حالت تحت تأثیر فعل است و وابستگی اسم را به فعل نشان می‌دهد و زمانی که بیان جنس می‌کند، بدون

دستوری استفاده می‌کنند. مفعول از آن گروه اسمی است که معمولاً روابط قیدی مانند حالت، فاصله و زمان را می‌رساند (کریستال، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸). حالت از بی به سؤال «از کجا» پاسخ می‌دهد (هنگیمرن، ۱۹۹۸: ۱۲۵). این حالت وابستگی اسم به فعل را نشان می‌دهد. اسم‌ها در این حالت همیشه پسوند دارند (ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۸). در ترکی آذری، آناتولیایی و ازبکی این حالت را با پسوند -dan -den -dân - نشان می‌دهند و در ترکی خلجی پسوند آن -dâ -de است (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ جمراسی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). البته در برخی زبان‌ها چون فارسی از تکواژهای غیر وندی استفاده می‌کنند که ممکن است پس‌افزافه یا پیش‌افزافه باشند.

داده‌های منتخب

در این مقاله به بررسی رده‌شناسانه چهار گونه ترکی پرداخته می‌شود. هدف از رده‌شناسی رویکرد نظری به مطالعه زبان‌های مختلف است. در این پژوهش، از میان زبان‌های مختلف ترکی، چهار گونه برگزیده شده است. این چهار گونه بنا بر تقسیم‌بندی یوهانسون (۱۹۹۸: ۸۱-۱۲۵) از میان سه شاخه از شش شاخه اصلی برگزیده شده است. طبق مطالعات انجام شده، زبان ترکی شش حالت‌نما دارد که در گونه‌های مختلف تفاوت‌هایی با هم دارند. در ادامه داده‌های مستخرج از چهار گونه مذکور (۲۴ جمله) به ترتیب ذکر می‌شوند. سپس به تحلیل آنها و بررسی رده‌شناسی حالت با ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها پرداخته می‌شود.

الف) حالت فاعلی

ترکی آذری:

1. Derviş-NOM birbâxiş-dâ-LOC qârâ top râq-ikimiyâ ?eder.
- درویش با یک نگاه خاک سپاه را کیمیا می‌کند.
ترکی خلجی:
2. Yigit-ler-NOM şâhzâda-in-GEN sôzler-i-ACC qulâq hâsmiş.
- جوان‌ها به سخنان شاهزاده گوش کردند.
ترکی آناتولیایی:
3. Ben-NOM kâhvahâne-ler-im-iz-i-ACC çok severim.
- من قهوه‌خانه‌هایمان را خیلی دوست دارم.
ترکی ازبکی:
4. Novoiy-NOM diqqat bilan quloq solib.
- نوایی با دقت گوش کرد.

می‌دهند. نقش اصلی این حالت، اختصاص مالکیت به اسم است. اسم‌ها در این حالت گاه بدون پسوند هستند اما در بیشتر مواقع با پسوند همراهند (ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۸؛ شوبری، ۱۹۶۳: ۱۴۰؛ کریستال، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸). این حالت به سؤالات «به چه چیزی» و «به چه کسی» پاسخ می‌دهد (هنگیمرن، ۱۹۹۸: ۱۲۵). نقش اضافی در دستور زبان به معنی نسبت دادن است. حالت اضافی از دو قسمت مضاف و مضاف‌الیه تشکیل شده است. مضاف یعنی «نسبت‌داده‌شده» و مضاف‌الیه یعنی «نسبت‌داده‌شده به آن». مضاف‌الیه در ترکی پیش از اسم و مضاف می‌آید. در زبان ترکی پسوند اضافه دو قسمت است: نخست ضمیر پیوسته اضافی -in یا -im که با توجه به هماهنگی واکه‌ای، یکی از آنها آخر مضاف می‌آید؛ دوم واکه -i یا -î است که آخر مضاف افزوده می‌شود. Kitâb-1 mahsâ-n-in (کتاب مهسا) نمونه‌ای از آن است. این پسوند همچنین می‌تواند آوای میانجی بگیرد. حالت اضافی با ضمایر مختلف صرف می‌شود (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). این حالت در زبان‌های مختلف به صورت‌هایی متنوع ظاهر می‌شود. نمونه در لاتین، روسی و آلمانی با تصریف نشان داده می‌شود. در زبان انگلیسی به وابسته اضافه می‌شود (کریستال، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸). پسوند آن در زبان ترکی آذری، آناتولیایی -Im/In (n) در کنار -î است. در ترکی خلجی -im/-in به همراه -i است. در ترکی ازبکی -ing به همراه -î است (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ جمراسی، ۱۳۹۴: ۱۸۱ - ۱۸۷).

حالت دری

این حالت نمایانگر حالت مکان فیزیکی است. واژه‌ای در جمله که متمم فعل‌ها باشد، متمم دری است. این حالت معادل حرف اضافه «در» در زبان فارسی است. این حالت رابطه اسم با فعل را نشان می‌دهد و اسم‌ها در این حالت همیشه پسوند دارند (ارگین، ۲۰۰۴: ۲۲۸؛ گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ کریستال، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸). این حالت به سؤالات «در کجا» و «در چه زمانی» پاسخ می‌دهد (هنگیمرن، ۱۹۹۸: ۱۲۴). حالت‌نمای آن در ترکی آذری، آناتولیایی و ازبکی پسوند -dâ -de یا -da و در ترکی خلجی -â- است (گوکسل و کرسلاکه، ۲۰۰۵: ۷۰؛ جمراسی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

حالت ازی

در زبان‌هایی مانند لاتین و ترکی از تصریف برای بیان روابط

ترکی آناتولیایی:

11. Ne sır verejeksın bân-â-DAT.

- چه رازی می‌خواهی به من بگویی؟

ترکی ازبکی:

12. Majlis-ga-DAT yangi mihmon-lar-
NOM keldi.

- مهمان‌های جدید به مجلس آمدند.

پسوند این حالت در ترکی آذری، آناتولیایی و ازبکی 1-î, -e, -a, -â- است. آذری و آناتولیایی از یک شاخه‌ زبانی هستند و شباهت بیشتری به هم دارند. پسوند حالت در ازبکی -ga است که با دو گونه‌ بالا متفاوت است. همچنین، در خلجی این پسوند -ke و -qâ- است.

(د) حالت اضافی

ترکی آذری:

13. Derviş-çâdır-in-GEN-a-DAT girdi-lar.

- داخل چادر درویش شدند.

ترکی خلجی:

14. ?u zâmân zengi-ler-in-GENşâh-ı?emir
?etti.

- آن زمان پادشاه زنگی‌ها امر کرد.

ترکی آناتولیایی:

15. Çünkü pâdişâh-ım-ız-GENçok
pârâveriyordu nâkış-lı kitâplâr-â-DAT.

- زیرا پادشاهمان به کتاب‌های منقش پول زیادی می‌داد.

ترکی ازبکی:

16. Novoiy-NOM podşoh-ing čodir-gaGEN
kirdi.

- نوایی وارد چادر پادشاه شد.

حالت اضافی در ترکی از دو بخش مضاف و مضاف‌الیه تشکیل شده است. ضمیر متصل و معادل‌های آن به آخر مضاف‌الیه و واکه 1-î و معادل‌های آن به آخر مضاف می‌پیوندند. البته ضمیر متصل با توجه به شخص در شش صیغه صرف می‌شود. گفتنی است زمانی که میان مضاف و مضاف‌الیه ارتباط تنگاتنگ باشد، یا در اسم‌های خاص، یا در ترکیبات اضافی پرکاربرد به آخر مضاف‌الیه پسوند حالت افزوده نمی‌شود و اضافی بودن حالت از پسوند 1-î پایان مضاف مشخص می‌شود (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۰۳).

پسوند حالت فاعلی در زبان ترکی بی‌نشان یا آزاد است. طبق داده‌های گونه‌های مذکور، در هر چهار گونه این حالت بی‌نشان نمایان است.

(ب) حالت مفعولی مستقیم

ترکی آذری:

5. Habıb-NOM sâbâh gelende Gülistân
kitâb-i-ACC getir.

- حبیب، فردا هنگام آمدن، کتاب گلستان را بیاور.

ترکی خلجی:

6. Heç kim-i-ACCsen-Nom heyrân ?etme.

- هیچ کس را حیران نکن.

ترکی آناتولیایی:

7. Gözlerim-i-ACC ?uyur gibi kâplâdim.

- چشم‌هایم را بستم، مانند کسی که خواب است.

ترکی ازبکی:

8. Nonoiy-NOM ba?zi bir qalin kitab-
lar-ni-ACC varaqladi.

- نوایی برخی از کتاب‌هایی که خوانده بود را ورق زد.

در سه گونه‌ ترکی آذری، خلجی و آناتولیایی حالت‌نمای مفعولی مستقیم 1-î یا معادل‌های آن است. در ترکی ازبکی این حالت‌نما ni- است که پیش از واکه یک همخوان آمده است. در کل، حالت‌نمای ازبکی طولانی‌تر و ترکیبی هستند که در حالت‌های دیگر هم مشاهده می‌شود. در ازبکی، به سبب وجود همخوان و نبودن قانون هماهنگی واکه‌ای، همیشه این پسوند ثابت است، اما در سه گونه‌ دیگر، در صورت وجود دو واکه کنار هم، آوای میانجی می‌آید و قانون هماهنگی واکه‌ای رعایت می‌شود.

(ج) حالت مفعولی غیرمستقیم

ترکی آذری:

9. ?ânâ dil-in-e-DATşeir ve hikâye-ler
yâzmiş-ı-dim.

- به زبان مادری شعر و حکایت‌ها نوشته بودم.

ترکی خلجی:

10. ?âmmâ gulperizâd-NOM bu sorulâr-
qâ-DAT ?es jêvâb vermedi.

- اما گل‌پری‌زاد به این سؤال‌ها اصلاً جواب نداد.

ترکی ازبکی:

24. Ta?lim?olnoq-dan-ABL heç vaqt yuz qaytormangiz.

- از تعلیم گرفتن هیچ گاه روی برنگردانید.

حالت‌نمای ازی در سه گونه ترکی آذری، آناولیایی و ازبکی پسوند *-dân* و صورت‌های دیگر آن است، اما در ترکی خلجی پسوند *-dâ* و صورت‌های مختلف آن است که از ترکی باستان به‌جا مانده است؛ همان‌گونه که در این گونه ترکی آثار بسیاری از ترکی باستان مشاهده می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) براساس داده‌های مستخرج از گونه‌های ترکی منتخب، زبان ترکی از زبان‌هایی است که از نظام حالت‌نمایی فاعلی - مفعولی پیروی می‌کنند. در این نظام حالت، فاعل فعل ناگذر با حالت فاعلی نشان داده می‌شود و مفعول فعل گذرا نشانه مفعولی دریافت می‌کند (بلیک، ۲۰۰۴: ۵).

ب) همان‌گونه که از داده‌ها دریافت می‌شود، زبان ترکی برای نشان دادن نقش‌های دستوری از حالت‌نمایی استفاده می‌کند.

ج) حالت‌نماها به صورت پسوند هستند. در زبان پیوندی ترکی پسوندهایی وجود دارد که با افزودن آنها به واژه نقش نحوی و مقوله واژه تغییر می‌کند. در ترکی، علاوه بر پسوند حالت، پسوندهای دیگری هم وجود دارد که به ترتیبی خاص بعد از واژه بعد از کلمه ظاهر می‌شوند. به عبارت دیگر، زبان ترکی بر مبنای الحاق پسوند به اصل واژه پایه‌ریزی شده است. پسوندهای حالت بعد از پسوندهای اشتقاقی می‌آیند (شوین، ۲۰۰۷: ۳۶-۳۷؛ حق‌پرست قراملکی، ۱۳۸۵: ۶۵؛ هسپلمت و سیمز، ۲۰۱۰: ۶۸).

د) پسوندهای تصریفی در ترتیب کلمات پس از پسوندهای اشتقاقی می‌آیند. البته پسوندهای اشتقاقی از نظر حدود عمل درجاتی دارند. از پسوندهای تصریفی اسم، آنکه درجه شمولش محدودتر باشد، به پسوندهای توصیفی نزدیک‌تر و آنکه درجه شمولش وسیع‌تر باشد، به نسبت دورتر خواهد بود. به این ترتیب، در اسم‌ها پسوند جمع قبل از همه پسوندهای تصریفی و بعد، به ترتیب، پسوندهای ملکی و حالت قرار می‌گیرد و از این میان آنچه به مفهوم حقیقی واژه اشکال تصریفی اسم را به وجود می‌آورد، همان پسوند حالت است و بقیه، یعنی پیوندهای جمع و ملکی، موقعیت بینابینی

براساس داده‌ها، در هر چهار گونه این ترکیب دیده می‌شود، فقط در تصریف آنها اندکی تفاوت هست که در بعضی شخص‌ها مشاهده می‌شود. البته در ترکی ازبکی حالت‌نمای *-i* به صورت *-ing* نمایان می‌شود.

ه) حالت دری

ترکی آذری:

17. Sârây-dâ-LOC şem? çirâq ?yândı.

- در قصر شمع و چراغ روشن شد.

ترکی خلجی:

18. Qâf tâq-1-GEN?üstü-çe-LOC?u ?etmiş mâskân.

- او در کوه قاف مسکن گزیده است.

ترکی آناولیایی:

19. ?ev-de-LOC durâmıyorum, solâğ-â-DAT çıkıyorum.

- در خانه نمی‌مانم، به کوچه می‌روم.

ترکی ازبکی:

20. Yarim keça-da-LOC Husayn boyqaro-NOM haram-ga-DAT kirdi.

- در نیمه شب حسین بایقرا وارد حرم شد.

طبق داده‌ها، در سه گونه ترکی آذری، آناولیایی و ازبکی، حالت‌نمای دری *-da* و *-de* و صورت‌های مختلف آن است، اما در ترکی ازبکی، که تفاوت بسیار با سه گونه دیگر دارد، این حالت‌نما *-ča* است.

و) حالت ازی

ترکی آذری:

21. ?ânâm-NOM men-i-ACC tez-dan-ABL yuxu-dan-ABL ?uyândırdı.

- مادرم من را زود از خواب بیدار کرد.

ترکی خلجی:

22. Heste jânım heçbelâ-dâ-ABL ğem-de-ABL ?âzâd ?etmedi.

- جان خسته‌ام از بلا و از غم هیچ آزاد نشد.

ترکی آناولیایی:

23. ?odâ-dân-ABL çıktım, ?aşâğı-y-â-DAT mutfağ-a-DAT ?indim.

- از اتاق بیرون آمدم و به پایین، آشپزخانه، رفتم.

دارند (فرزانه، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۷).

ه) طبق داده‌ها، هر چهار گونه زبان ترکی شش حالت فاعلی، مفعولی مستقیم، مفعولی غیرمستقیم، اضافی، دری و ازی را دارند.

و) پسوندهای حالت در ترکی آذری و آناولیایی شباهت بسیاری دارند، زیرا هر دو از شاخه ترکی جنوب غربی (اوغوز) هستند. سپس ترکی ازبکی به این دو گونه شباهت دارد. این ترکی از شاخه دیگری به نام ترکی جنوب شرقی (اویغوری) است، اما ترکی خلجی از شاخه مستقلی به نام آرغو است. ترکی آرغو هیچ شاخه دیگری ندارد و بیشترین شباهت‌ها را به ترکی باستان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از بررسی کلی مقوله حالت در داده‌های چهار گونه ترکی

از دیدگاه رده‌شناسی، نتایج حاصل عبارت‌اند از:

الف) در این زبان و گونه‌های مختلف آن شش حالت فاعلی، مفعولی مستقیم، مفعولی غیرمستقیم، اضافی، دری و ازی وجود دارد. در زبان ترکی، فعل و حروف اضافه اعطاکننده حالت هستند. از میان حالت‌ها، حالت فاعلی نشان‌دار نیست، اما پنج حالت دیگر نشان‌دارند.

ب) چهار گونه منتخب از سه شاخه زبانی هستند که گونه‌های برخاسته از یک شاخه (مانند ترکی آذری و آناولیایی) بیشترین شباهت را در پسوندهای حالت دارند. در ترکی خلجی در مقوله حالت‌نمایی پسوند حالت ازی همانند ترکی باستان است که این پسوند در دیگر گونه‌ها به پسوندی دیگر بدل شده است. در ترکی خلجی آثار ترکی باستان و حتی ترکی مادر باقی مانده است که اهمیت زبانی خاصی دارد.

منابع

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۷). ج ۱۵. ترکی، زبان‌ها، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (۱). تهران: سمت.

راسخ‌مهند، محمد، با همکاری مژگان معین و مسعود محمودی‌راد (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی نحو. تهران: نشر علمی.

ساهر، حبیب (۱۳۹۲). تالانچی‌لار: حکایه‌لر و یادداشت‌لار. به کوشش م. جعفرزاده. تهران: نخبگان.

فرزانه، محمدعلی (۱۳۷۷). مبانی دستور زبان آذربایجان (۲). تهران: نشر فرهنگ.

فرزانه، محمدعلی (بی‌تا). دستور زبان آذربایجان (۱). تهران: نشر فرهنگ.

فرهمنند اقدم، درنا (۱۳۹۱). «ساختار موضوعی و نحوه واگذاری حالت در جمله‌های خبری ترکی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه بیرجند.

کاشغری، محمود (۱۳۷۵). دیوان لغات ترک. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۱۵۵): ۱۷۱-۱۹۰.

محمدپناه، بهنام (۱۳۸۷). ترکان در گذر تاریخ. تهران: سبزان.

احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: قطره.

آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آکینر، شیرین (۱۳۶۶). اقوام مسلمان اتحاد شوروی. ترجمه علی خزائی‌فر. مشهد: آستان قدس رضوی.

امیرحسینی، خسرو و امیرحسینی، محمد (۱۳۹۴). تاریخ ایل خلج. تهران: راز نهان.

تفرجی یگانه، مریم و احمدی، فاطمه (۱۳۹۳). حالت‌نماهای زبان ترکی. دومین کنفرانس ملی تحقیقات کاربردی در مطالعات زبان انگلیسی. تهران: دانشگاه جامع علمی و کاربردی. ۶-۱.

ثمره، یدالله (۱۳۸۱). تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناسی زبان فارسی. زبان‌شناسی، ۷ (۱)، ۶۱-۸۰.

جمراسی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). خلج و خلج‌پژوهی در ترکیه و ایران. وارلیق، ۱۷۲ (۱۶-۳۰).

جمراسی، علی‌اصغر (گردآورنده) (۱۳۹۴ الف). گل صنوبر داستانی. تهران: تکدرخت.

جمراسی، علی‌اصغر (۱۳۹۴ ب). خداحافظ خلجی: خلجی دانشساق و یازاق. تهران: تکدرخت.

حق‌پرست قراملکی، حسین (۱۳۸۵). تحلیل زبان ترکی به طریق ریاضی. تهران: اندیشه آریا.

- تهران: دانشگاه تهران.
 نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی. پژوهش‌های زبانی و ادبیات تطبیقی (۲): ۱۴۹-۱۶۵.
 هیئت، جواد (۱۳۸۰). سیری در زبان و لهجه‌های ترکی. تهران: پیکان.
- ملاولی، مرتضی، کریمی‌دوستان، غلامحسین و دیگران (۱۴۰۰) همسانی ساختاری بند و گروه حرف تعریف: حالت و مطابقه در ترکی آذری. زبان‌پژوهی (۴۱): ۳۰۱-۳۲۴.
 نجیب‌زاده، نغمه (۱۳۹۰). «بررسی حالت در زبان ترکی تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی.
- Blake, J. B. (2004). *Case*. Cambridge University Press.
 Booij, G. (2005). *The grammar of words*. Oxford: Oxford university press.
 Comrie, B (1989). *Language universal and linguistic typology*. Oxford: Blackwell.
 Comrie, B. (1992). Turkic languages. In W. Bright (ed.) *Internal Encyclopedia of Linaistics* volume IV, 187-188. New York: Oxford University Press.
 Crystal, D. (1992). *Dictionary of linguistic and phonetics*. Oxford: Blackwell.
 Doerfer, G. (1992). Central Asia: Turkish – Iranian language contacts. *Encyclopedia Iranica (V 15)*. California: Mazda Publishers.
 Ergin, M. (2004). *Türk dil bilgisi*, Istanbul: Fatih.
 Göksel, A., & Kerslake, C. (2005). *Turkish*. Routledge.
 Hengirmen, M. (1998). *Türk temel dil bilgisi*. Ankara: Kizilay.
 Haspelmath, M., & Sims, A. D. (2010). (2nd Ed). *Understanding morphology*. London: Hodder education, an Hachette uk company.
 Johanson, L. (1998). *The history of turkic*. In L. Johanson & É. Á. Csató (Eds). *The Turkic languages*. London, New York: Routledge.
 Katamba, F., & Stonham, J. (2006). *Morphology*. London: Palgrave Macmillan.
 Kornfilt, J. (1997). *Turkish*. Londen and New York.
 Liber, R. (2009). *Introducing morphology*. Cambridge press.
 Menges, K. (1968). *Turkik language and people*. Germany: Wisbanden.
 Oybek (2004). *Navoiy*. Toškent: Nashriot Matbaa.
 Pammuk, O. (1998). *Benin Adim kirmizi*. İstanbul: Letişim.
 Song, J. J., & Siewierska, A. (1998). *Case typology and grammar (festschrift of Barry Blake)*. Amesterdam: Benjamins.
 Song, J. J. (2001). *Linguistic typology: Morphology and syntax*. Longman: University of Cambridge.
 Shopen, T. (2007). *Language typology and syntatic-description*. Cambridge University Press.
 Sjoberg, A. F. (1963). *Uzbek structural grammar*, Uralic and Altaic series. (vol The Hague: Netherlands.